

Determining the character of the Arbaeen procession based on Jung Archetypes

Fozieh Taheri Mina*

Received: 2021/06/06

Meisam Latifi**

Accepted: 2021/08/17

Abstract

The growing trend of the Arbaeen March can be analyzed from various cultural, social, political, economic and managerial dimensions. In this research, an attempt is made to analyze this important ritual, which has been repeated and globalized over the past decade, with a psycho - cognitive-managerial approach. The theoretical framework of the research is taken from Jung's model of archetypes, which was later considered by management thinkers in the study of successful trademarks. Our goal is to determine the personality for the Arbaeen procession, by modeling the personality of the creators of this ceremony, which is Imam Hussein and his companions, and based on Jung's archetypes, archetypes that are transnational and are similarly perceived and influenced in different societies. The research method is an in - depth interview and documentary study, and the results of the interviews will be examined using deductive content analysis. The research's innovation in using the Jung framework in a subject beyond the trademark, that is, in a religion, is also religious and spontaneous. Thus, if the archetypes that influence the spread of this religion are discovered, these archetypes can be used in other religious rites and these archetypes can be used in their expansion and dissemination.

Keywords: Jung's Theory, Archetype, Arbaeen Walk.

* PhD Student in Business Management-Marketing Trend, Department of Management, Islamic Azad University, Hamadan, I.R.Iran.

foziehtaherimina@yahoo.com

** Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadeqh University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

Latifi@isu.ac.ir

تعیین شخصیت آیین راهپیمایی اربعین بر اساس کهن‌الگوهای یونگ

فوزیه طاهری مینا*

میثم لطیفی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۶

چکیده

روند رو به گسترش راهپیمایی اربعین از ابعاد گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مدیریتی، قابل تحلیل و بررسی است. در این پژوهش تلاش می‌شود این آیین مهم که طی دهه گذشته به صورت سالیانه تکرار و جهانی شده است با رویکرد روان‌شناختی تحلیل شود. چهارچوب نظری پژوهش برگرفته از الگوی یونگ درباره کهن‌الگوها است که بعدها توسط اندیشمندان مدیریت در بررسی نشان‌های موفق تجاری مورد توجه قرار گرفت. هدف ما تعیین شخصیتی برای مراسم راهپیمایی اربعین است، با الگوگیری از شخصیت افراد سازنده این مراسم که همان امام حسین و یارانش می‌باشد و بر اساس کهن‌الگوهای یونگ، کهن‌الگوهایی که فراملیتی بوده و در جوامع گوناگون به نحوی مشابه درک شده و اثر می‌گذارند. روش پژوهش مصاحبه عمیق و مطالعه اسنادی است و نتایج حاصل از مصاحبه‌ها با روش تحلیل محتوای قیاسی بررسی شده است. نوآوری این پژوهش در به‌کارگیری چهارچوب یونگ در موضوعی فراتر از نشان تجاری یعنی در یک آیین، آن هم از نوع مذهبی و خودجوش است. بدین ترتیب در صورت کشف کهن‌الگوهای مؤثر بر اشاعه این آیین، می‌توان این کهن‌الگوها را در دیگر آیین‌های مذهبی به‌کار گرفته و در گسترش و اشاعه آنها از این کهن‌الگوها بهره گرفت.

واژگان کلیدی: آیین پیاده‌روی اربعین، کهن‌الگو، نظریه یونگ.

* دانشجوی دکترای مدیریت بازرگانی - گرایش مدیریت بازاریابی، گروه مدیریت، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، جمهوری اسلامی ایران.

fozietaherimina@yahoo.com

** دانشیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

Latifi@isu.ac.ir

مقدمه

مطالعات درباره کهن‌الگو و نقد کهن‌الگویی در ایران عمر زیادی ندارد و محدود منابع موجود بیشتر ترجمه‌هایی از آثار نظریه‌پردازان غربی یا کتاب‌های نقد ادبی است. از منظر یونگ، عصر جدید با آن همه پیشرفت و دگرگونی در حوزه فناوریانه و علمی دچار سردرگمی سهمگینی است. به تعبیر وی، دنیای نوین ما با لرزش‌های خودآگاهمان یکی است. یونگ می‌گوید که گسست کامل و نابهنگام از سنت‌ها خطرناک است. نابودی سنت‌ها و رها کردن افراد جامعه در وضعیت آنومی بیش از هر چیز آنها را به دامان رهبران مقتدر می‌اندازد. ضمن اینکه نگرش انتقادی نسبت به سنت‌ها خود عقلانیت و هویت اصیل را پرورش می‌دهد (MacIntyre, 1998, p.360). دانش روان‌شناسی رابطه مستقیمی با دین دارد. کارل گوستاو یونگ برخلاف برخی از روان‌شناسان که منشأ دین را امور غیرمعرفتی مانند عقده‌های روانی، ترس یا فقر می‌دانستند، با طرح نظریه کهن‌الگوهای ناهشیار جمعی، سعی کرد راهی نوین در معرفت بشری به سوی دین و دین‌داری ارائه کند (باقری‌پور، ۱۳۸۹). به‌طورکلی رویدادها، پدیده‌های موقتی‌اند که هر کدام در نوع خود به‌دلیل تعامل بین اجزای رویداد، مردم، سیستم‌های مدیریتی، طراحی، برنامه‌ریزی و اجرا منحصربه‌فردند و برای استفاده از این تجربه منحصربه‌فرد، باید در محل آن رویداد حضور داشت تا فرصت تجربه آن را از دست نداد (Zhou, 2007). رویدادهای مذهبی؛ گروهی از این رویدادها هستند که همواره توجه طیف گسترده‌ای از جهانیان را به خود جلب می‌کنند. وکینک رویداد دینی را این‌گونه تعریف می‌کند: تجمع در مقیاس بزرگ برای مناسبتی تاریخی و سالگردها (بد، ۱۳۹۷). پیاده‌روی اربعین یکی از این رویدادهای بزرگ جهانی، بلکه بزرگ‌ترین آنها از لحاظ شرکت‌کنندگان است. سفر با انگیزه مذهبی، احتمالاً قدیمی‌ترین و رایج‌ترین نوع سفر در تاریخ بشر است و شاید قدمت آن به قدمت عمر بشر است (کلبر، ۱۳۹۲، ص. ۵۷). یکی از سفرهای جمعی که در سال‌های اخیر زائران زیادی را به خود جلب کرده است راهپیمایی (پیاده‌روی) اربعین حسینی است. اینکه افراد با چه دیدگاهی به راهپیمایی (پیاده‌روی) اربعین می‌روند و تصویری که آنان از این پیاده‌روی در ضمیر ناخودآگاهشان دارند و چگونه این تصویر می‌تواند در ترویج اشاعه آیین پیاده‌روی اربعین مؤثر باشد، سؤالی است که در پژوهش حاضر به‌بررسی آن

خواهیم پرداخت. این پژوهش با دیدگاه روان‌شناسی به بررسی شخصیت آیین پیاده‌روی اربعین می‌پردازد و با الهام‌گیری از شخصیت‌های سازنده اربعین که همان امام حسین (علیه‌السلام) و یارانش می‌باشد، برای این آیین شخصیت تعیین می‌کند.

۱. چهارچوب مفهومی

با توجه به اینکه پژوهش حاضر کیفی است و پژوهش‌های کیفی نیازمند فهم دقیق و عمیق متن و موضوع است، از این‌رو در ابتدا به توضیح مختصری در مورد مفاهیم اصلی پژوهش می‌پردازیم.

۱-۱. کهن‌الگو

کهن‌الگوها همان مفاهیم مشترک و جهانی هستند که از گذشته‌های دور، از اجداد بشر نسل‌به‌نسل منتقل شده و در ژرفای ضمیر ناخودآگاه جای گرفته‌اند (حسینی، ۱۳۹۰). در لغتنامه دهخدا آرکه‌تایپ^۱ به عنوان کهن‌الگو معنی شده است و در ابتدا و اواخر قرن نوزدهم این واژه فقط یک اصطلاح مردم‌شناسی بود و تقریباً خلاصه‌اش این بود که نیازهای اولیه در ادوار مختلف همواره یکسان بوده است. دیدگاه یونگ نسبت به روان انسان بر اساس سه رکن است: رؤیاها، نمادها، کهن‌الگوها (هاشمی، ۱۳۹۳، ص. ۷۸). به گفته یونگ افکار، امیال، و احساسات انسان از ضمیر ناخودآگاه وی نشئت گرفته است. زبان مشترک در میان هزاران نفر چیزی جز کهن‌الگوها نیست که فصل مشترک تفکر در میان مردم است (ترابی؛ اسدی و جزیری، ۱۳۹۴). پیمودن راه بی‌زمان، تنها از طریق آرکه‌تایپ‌ها میسر است، آرکه‌تایپ‌ها نشان داده‌اند که از گذشته تا به حال و از حال به آینده زنده‌اند. درون انسان، آینده‌ای است از محیط بیرونی، که به شکل اثر معماری متولد می‌شود (گلابچی و زینالی فرید، ۱۳۹۳، ص. ۲۷). بررسی آثار ادبی از منظر نقد کهن‌الگویی، نتیجه مطالعات کارل گوستاو یونگ روان‌شناس سوئیسی درباره ضمیر و ذهن بشر است. در دیدگاه یونگ ناخودآگاه فردی تقریباً همان خصوصیات را دارد که ضمیر ناخودآگاه از منظر فروید داشت. به اعتقاد یونگ این بخش از ضمیر تاریک روان انسان، حاوی مواد فراموش شده و همه کیفیات و ویژگی‌هایی است که

1. Archetype

زمانی خودآگاه بودند ولی به دلایلی، واپس‌زده شده و یا مورد غفلت قرار گرفتند (پورمند و روزبهانی، ۱۳۹۷). کارل گوستاو یونگ روح انسان را در سه نوع طبقه‌بندی کرده است: خودآگاه، ناخودآگاه فردی و ناخودآگاه جمعی. ناخودآگاه فردی در مرحله اول به صورت خودآگاه درآمده، خواه به دلیل آنکه هدف خود را از دست داده و در نتیجه به دست فراموشی سپرده‌اند. در مرحله بعد تا حدودی متشکل از دریافت‌های ناچیزی است که بعدها به خاطر اهداف ضعیفشان هرگز به خودآگاه نرسیده و با این حال به طریقی وارد روان شده‌اند. ناخودآگاه جمعی میراث امکانات نمادین و برجسته، که فردی نیست بلکه غالباً بشری و حتی غالباً حیوانی هستند و به شیوه‌ای خاص بنیان روانی فرد را می‌سازند (یونگ، ۱۳۸۹، ص. ۲۶).

۲-۱. نظریه یونگ^۲

در اوایل قرن چهارم قبل از میلاد ارسطو در تعریف خود از تراژدی، رویکرد روان‌شناختی داشته و تراژدی را به عنوان آمیزه‌ای از حالت ترس و ترحم برای ایجاد پالایش درونی استفاده کرده است، اما نقد روان‌شناختی جدید به دنبال مکتب‌ها و نظریه‌های روان‌شناختی در طول قرن بیستم یعنی پس از فروید و پیروانش به وجود آمد. روان‌کاوی خود دارای شاخه‌های متعددی است، یکی از این شاخه‌ها که در نقد ادبی معاصر بسیار اثرگذار بوده است، روان‌کاوی کارل گوستاو یونگ است (صراف‌زاده و زند، ۱۳۹۶). کارل گوستاو یونگ یکی از برجسته‌ترین متفکران معاصر است که موضوع کهن‌الگوها و بازتولید آنها در قالب اسطوره‌های سیاسی نوین را بررسی کرده است. از منظر یونگ کهن‌الگوها مقولاتی‌اند که از گذشته‌های دور و از اعقاب و نیاکان ما به ارث رسیده‌اند و بخشی از ناخودآگاه ما را تشکیل می‌دهند. کهن‌الگوها در گذشته دیرین در قالب افسانه و اسطوره‌ها خودنمایی می‌کردند، اما برخلاف پیش‌بینی روشنگری آنها نه تنها از بین نرفتند بلکه زندگی سیاسی نوین را نیز دستخوش تحولات بسیاری نمودند (توانا و آذرکمند، ۱۳۹۵). بر مبنای کهن‌الگوها که با عنوان کلی نقد اسطوره‌ای و کهن‌الگویی شناخته می‌شود، شیوه‌ای از تحلیل و تفسیر است که در آن، اصل بر کشف الگوهای عام و جهان‌شمول گذاشته شده است. روان‌کاوی کهن‌الگویی از سطح توصیف زبان‌شناسی و تعبیر معناشناسانه یک اثر،

فرا تر رفته و به سطح تفسیر روان‌کاوی دست می‌یابد (پورمند و روزبهانی، ۱۳۹۷). نقد کهن‌الگویی که از نتایج پژوهش‌های علمی مانند روان‌شناسی، مردم‌شناسی، تحلیل ادیان و تاریخ تمدن در نقد و تحلیل متون ادبی بهره می‌گیرد، در نیمه دوم قرن بیستم با نظریه‌های کارل گوستاو یونگ تحول پیدا کرد (فرضی و بهزادی، ۱۳۹۶). یونگ معتقد است انگاره‌هایی که در رسیدن به فردیت وجود دارند از زمان‌های باستان تاکنون در درون تمامی انسان‌ها وجود داشته است که وی آنها را به‌عنوان کهن‌الگو معرفی می‌کند. از نظر یونگ یکی از مهم‌ترین غرایز انسانی کهن‌الگوها یا به‌تعبیری میراث بازمانده در روان انسان‌هاست. بر اساس روان‌کاوی یونگ، بخش عمده روان انسان را قسمت‌های غریزی و غیرعقلانی‌ای تشکیل می‌دهد که در صورت فعال‌شدن می‌تواند کهن‌الگوهایمانند اسطوره‌های مذهبی و پیرسالاری را دوباره بازتولید کند (توانا و آذرکمند، ۱۳۹۵). از منظر یونگ تکامل فرایند فردیت در نیمه دوم زندگی و به‌تدریج رخ می‌دهد (نصیری و مصطفوی روضاتی، ۱۳۹۵). معمولاً انسان در نیمه دوم زندگی دچار آشفتگی می‌شود و ندایی از درون او را خطاب قرار می‌دهد که مفهوم زندگی و مرگ چیست؟ این دغدغه‌ها نشانه‌هایی از شروع فرایند فردیت است. فردیت فرایندی است که طی آن، من به‌عنوان مرکز خودآگاهی به خود که درونی‌ترین بخش ناخودآگاهی است منتقل می‌شود (یونگ، ۱۳۸۳، ص. ۲۴۰). یونگ معتقد است انسان در مسیر تکامل خویشتن به لایه‌های درونی خود (ذهن) سفر می‌کند و در این سفر با لایه‌های مختلف شخصیتی خود آشنا می‌شود. انگاره‌هایی که در رسیدن به فردیت وجود دارد در درون انسان‌ها مشترک است و در واقع از زمان‌های باستان تاکنون در درون انسان‌ها وجود داشته است که وی آنها را به‌عنوان کهن‌الگو معرفی می‌کند (یونگ، ۱۳۷۲، ص. ۸۹). یونگ از تصاویر ذهنی جهان‌شمول که در ناخودآگاه جمعی جای دارند به کهن‌الگو تعبیر می‌کند و اسطوره را نمود آن می‌داند. این الگوهای کهن توان و استعداد‌های بالقوه هستند که در پاسخ به انگیزه‌های بیرونی فعال می‌شوند و به‌صورت‌های گوناگون در رؤیا و آفرینش‌های هنری بازمی‌تابند (یاوری، ۱۳۸۷، ص. ۱۶۲). یونگ معتقد است که دین یکی از قدیمی‌ترین و عمومی‌ترین تظاهرات روح است. یونگ مدعی است که انسان همواره به کمک دین نیازمند بوده است و کمک دین بدین ترتیب است که ناهشیار روان آدمی را به‌مرتب آگاهی می‌رساند و سپس انسان را آزاد می‌گذارد تا به بهترین وجه ممکن بر آن فائق آید (یونگ، ۱۳۷۰، ص. ۱). دانش

روان‌شناسی رابطه مستقیمی با دین دارد و به‌همین سبب بنیان‌گذاران این دانش، همواره به بررسی مسئله دین و تأثیر آن در روان انسان پرداخته‌اند (باقری‌پور، ۱۳۸۹). یکی از شیوه‌های غیردین‌داران در چالش کشیدن مقوله دین، استفاده از نظریه‌های برخی روان‌شناسان در خصوص علل پذیرش دین است. به‌باور یونگ دین دارای نیرویی برتر است که در همه اعصار مردمان را بر آن داشته، به آنچه نااندیشیدنی است بیندیشند، بزرگ‌ترین رنج‌ها را بر خود تحمیل کنند تا به اهدافی که لازمه کسب تقدس است نائل آیند (یونگ، ۱۳۷۰، ص. ۳۷۴). یکی از تعابیر یونگ در تفسیر دین، اتصال به لایتناهی است که انسان را از محدودیت‌ها و بیهودگی‌ها نجات می‌بخشد (یونگ، ۱۳۷۱، ص. ۳۲). بارزترین تجربه‌های دین‌داری یونگ در سنین ۱۱ تا ۱۷ سالگی است، او بعد از مکاشفه‌های فراوان دینی که عنوان فیض الهی را بر آن نهاده است، به یقین می‌رسد که باید در مسیری گام نهاد که خدا می‌خواهد (یونگ، ۱۳۷۱، ص. ۵۳).

کهن‌الگوها به‌طور کلی دارای ویژگی‌های زیر هستند:

- کلیت و عمومیت (ناهشیاری جمعی در همه افراد بشر وجود دارد)؛
- بالقوه بودن (در همه افراد وجود دارد و بسته به تجارب آنها ظهور می‌کند)؛
- اکتسابی و تجربی بودن (کهن‌الگوها تجارب و معلومات نیاکان ما هستند)؛
- تغییر و تحول‌پذیری (کهن‌الگوها مفاهیمی اکتیو و فعال‌اند)؛
- نسبی بودن (آمادگی برای افکار مثبت و منفی بودن را دارند) (باقری‌پور، ۱۳۸۹).

۳-۱. انواع کهن‌الگوها

کهن‌الگوها یکی از اساسی‌ترین بخش‌های نظریه‌های یونگ را تشکیل می‌دهد و براساس نظریه یونگ، ۱۲ کهن‌الگو وجود دارند که شامل موارد زیر می‌باشند: قهرمان^۳، دانا^۴، عاشق^۵، هرکس^۶، معصوم^۷، نگهدارنده^۸، خلاق^۹، یاغی^{۱۰}، جستجوگر^{۱۱}، شوخ

3. Hero
4. Sage
5. Lover
6. Everyman
7. Innocent
8. caregiver
9. creator
10. Outlaw
11. Explorer

طبع^{۱۲}، فرمانروا^{۱۳} و جادوگر^{۱۴} (Mark & Pearson, 2001, p. 13).

۴-۱. آیین (رویداد) پیاده‌روی اربعین

از دیدگاه برخی از علما و فقها، مبنای تاریخی مراسم اربعین ورود اهل بیت به کربلا در اولین اربعین حسینی سال ۶۱ق و دفن سرهای کشته‌شدگان نبرد کربلا در کنار بدن‌هایشان بوده است (بد، ۱۳۹۷). شکل‌گیری ابرویداد اربعین به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم ریشه در مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه عراق و ایران به‌صورت خاص و جوامع شیعه منطقه به‌صورت عام دارد. سوگواری به‌عنوان عملی مشروع و پذیرفته‌شده در اسلام مجاز و بصیرت‌بخش است و قدمتی دیرین دارد (صنعتی، ۱۳۹۰). پیاده‌روی اربعین نوعی سوگواری است که روایت مظلومیت خاندان پاک در مقابل گروهی از ناپاکان را نقل می‌کند. هر چند این نقل‌قول در مسیر تاریخ به‌واسطه تفاوت‌های فرهنگی و تجربه‌های معنوی خرده‌فرهنگ‌ها تحت تغییر قرار گرفته است، اما ریشه آن همچنان ثابت و بی‌تغییر مانده است. پیاده‌روی اربعین شامل جمعیتی غمگین و کاملاً متفاوت است که در یک نقطه فصل مشترک دارند و آن دوست داشتن جمعیتی پاک و مظلوم است (درویدان، ۱۳۹۷). واژه اربعین از اصطلاح‌هایی است که در متون دینی، حدیثی و تاریخی کاربرد زیادی داشته است. در میان شیعیان اربعین حسینی از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار است. در دین اسلام نیز زیارت با پای پیاده سفارش شده است و از آن به فعلی مثبت یاد شده است. از نقل‌های تاریخی این‌گونه به‌دست می‌آید که تشریف به بارگاه ائمه اطهار (علیهم‌السلام) با پای پیاده از زمان حضور ائمه رایج بوده است و در نقاط مختلف سرزمین اسلامی صورت گرفته است، ولی در طول تاریخ با سختی‌ها و مشکل‌هایی همراه بوده است (ابن جوزی، ۱۳۷۹، ص. ۱۷۵). زیارت کربلا با پای پیاده تا زمان مرحوم شیخ انصاری مرسوم بوده است، اما در برهه‌ای از زمان به‌ورطه فراموشی سپرده می‌شود و توسط میرزا حسین نوری دوباره احیاء می‌شود. از دیگر نکات این همایش بزرگ، باور عمیق مذهبی شرکت‌کنندگان و دست‌اندرکاران است، به‌طوری‌که با توجه به حملات تروریستی در سال‌های اخیر و

12. Jester

13. Ruler

14. Magician

تهدیدهای آنان به بمب‌گذاری در طول مسیر، نه تنها از حجم تقاضا برای این سفر کاسته نشده است، بلکه هر سال شاهد جمعیت بیشتری در این پیاده‌روی هستیم (همایون و بد، ۱۳۹۴).

۲. پیشینه پژوهش

درودیان (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان منظر معنوی رویداد پیاده‌روی اربعین حسینی بیان می‌کند که منظر معنوی پیاده‌روی اربعین را می‌توان مجموعه‌ای از دریافت‌ها و احساساتی دانست که ترکیبی از محیط پیاده‌روی، خاطره‌های نقل‌شده از امام حسین (علیه‌السلام)، انگیزه‌های فردی زائرین و اتفاق‌های جاری در مسیر پیاده‌روی است.

بد (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان فهم تجربه زیسته زائران در پیاده‌روی اربعین سال ۱۳۹۵ (بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری ابر رویداد اربعین) بیان می‌کند که زمینه‌ها و عوامل بسترساز در شکل‌گیری رویداد اربعین چند اسلوبی بوده و حضور گسترده مردم در این راهپیمایی‌ها صرفاً به یک عنصر تقلیل نیافته است. عوامل و زمینه‌های فرهنگی - اعتقادی، اجتماعی - اقتصادی و سیاسی - ملی از مهم‌ترین این زمینه‌ها هستند که تنوع آنها وجه بارز و عامل منحصربه‌فرد بودن این ابررویداد به حساب می‌آید.

شراهی و ذوالفقارزاده کرمانی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی ادراک زائران از رفتار خادمان در اربعین، روایتی مردم‌شناختی از پدیده عظیم پیاده‌روی اربعین» را بیان می‌کنند. زائران، رفتار مردم عراق و خدمت بی‌منت آن‌ها به زائران در پیاده‌روی اربعین را به سنت (ریشه‌های سنتی آن مردمان از جمله رسم ایشان در مهمان‌نوازی)، برکت (درخواست خیر و برکت از ائمه (علیهم‌السلام) به‌خصوص امام حسین (علیه‌السلام) برای رزق و زندگی خود) و درنهایت محبت بی‌منت (سرسپردگی و دلدادگی به امام بدون هیچ چشم داشتی نسبت به مردم) نسبت می‌دهند.

رضوی‌زاده (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده ایرانی عراقی (مورد مطالعه: پیاده‌روی اربعین آذر ۱۳۹۳ عراق)» با اتکا به رویکرد کیفی و با تحلیل مصاحبه‌هایی که با ۳۶ نفر زائر پیاده ایرانی در مسیر نجف-کربلا انجام شده است، درصدد واکاوی ادراک و تفسیر این زائران از تجربه زیسته خود در این سفر پرداخته و از تحلیل داده‌های کیفی، سه مضمون اصلی زیر را شناسایی کرده است:

تجربه تعلیق امر مادی، رنج مقدس به مثابه‌ی مولد معنا و برانگیزانندگی عاطفی مناسک جمعی زیارت.

گیویان و امین (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «محبت و هویت در آیین نمایش جهانی اربعین»، با عنایت به ویژگی‌ها و امتیازهای ویژه این آیین شیعی، تلاش کرده‌اند تا با تماس مستقیم با واقعیت در حال اجرا از طریق روش کیفی مردم‌نگاری، سه رکن اساسی ماهیت، ساختار و کارکردهای آیین پیاده‌روی اربعین را با تفسیر مشارکت‌کنندگان اصلی‌اش مطالعه کنند و بر اساس نتایج بیان می‌کنند که این آیین شیعی در ارتباط تنگاتنگی با سه مفهوم کلان محبت اهل بیت، نمایش جهانی و هویت شیعی قرار دارد.

۳. مواد و روش‌ها

تحلیل مفاهیم و معانی یکی از رویکردهای پُرکاربرد در پژوهش‌های کیفی است. این تحلیل، گاه مستقیماً به بررسی متن با حداقل تفسیر صورت می‌گیرد که به آن تحلیل محتوا گفته می‌شود و گاه با تفسیر و مضمون مندرج در آن صورت می‌گیرد که با عنوان تحلیل مضمون شناخته می‌شود. این تمایز دقیق اگرچه قابل توجه است، اما در مقام عمل عموماً برابر نهاد تلقی می‌شوند. در هر صورت تحلیل محتوا و مضمون از جمله فنون پُرکاربرد پژوهش در علوم اجتماعی هستند که با دو رویکرد استقرایی و قیاسی و کمی و کیفی قابل اجراست. تحلیل محتوای کیفی قیاسی، دانش موجود را برای فهم متون به کار می‌گیرد. این فن تحقیقی غیرواکنشی و غیرمداخله‌ای از روش‌های عمده مشاهده اسنادی است که با برجسته ساختن و بیان نظام‌مند نکاتی که به‌طور پراکنده در مجموعه‌ای از متن‌ها درباره موضوع پژوهش و مقوله‌های آن مطرح شده است، کار خود را تحلیل آنها، یافتن پیام‌هایشان و ویژگی‌های این پیام‌ها می‌داند و می‌کوشد تا این تحلیل‌ها با عینیت، نظام‌مندی، عمومیت و درجات قابل قبولی از روایی و پایایی به نتیجه برسد (رایف؛ استفن و فریدریک جی، ۱۳۸۵، ص. ۲۳؛ رضوانی، ۱۳۸۹). تحلیل محتوای کیفی قیاسی با استفاده از نظریه‌ها و رویه‌های موجود، تجربه‌ها یا دانش متخصصان و پژوهش‌های پیشین آغاز می‌شود. مفهوم‌ها و متغیرها، مقوله‌ها، کدها و روابط میان آنها و سازه‌های تحلیل، پیش از ورود به متن و تحلیل داده‌ها و بر اساس این پیشینه، تعریف و تدوین می‌شوند. جنس استنتاج، قیاس است که اطلاعات و دانش

موجود را برای فهم اشیا یا شکل دادن به آراء به کار می‌گیرد و از کلی به جزئی، حرکت می‌کند و هدف آن، آزمون و ارزیابی دوباره داده‌ها یا نظریه‌ها یا کاربرد آنها در موقعیت‌های متفاوت و پالایش، گسترش یا غنای بیشتر نظریه‌ها است و می‌تواند شامل آزمون مقوله‌ها، مفهوم الگوها یا فرضیه‌ها باشد (محسنی تبریزی و سلیمی، ۱۳۹۱). این روش در ساده‌ترین شکل، به بیرون کشیدن مفاهیم مورد نیاز پژوهش از متن مورد مطالعه می‌پردازد (تبریزی، ۱۳۹۳).

۴. سؤال اصلی پژوهش

شخصیت آیین راهپیمایی اربعین بر اساس کهن‌الگوهای یونگ، چیست؟ هدف اصلی کار ما تعیین شخصیت برای پیاده‌روی اربعین است. می‌خواهیم بررسی کنیم مردم با چه دیدی به اربعین نگاه می‌کنند؟ چرا اربعین برای مردم مهم شده است؟ چرا به این سفر سخت تن می‌دهند؟ کهن‌الگو یا آرکه‌تایپ، دوازده شخصیت هستند و ما هم با بررسی نظر و دیدگاه مردم در مورد پیاده‌روی اربعین و با دیدی که خودمان با توجه به ویژگی‌های کهن‌الگوها در مورد کهن‌الگوها داریم، ویژگی‌های بیان شده را دسته‌بندی کرده و برای هر دسته یک کهن‌الگو را انتخاب کردیم. اگر این شخصیت یک شخصیت خوب است پس باید تقویت شود و نسل به نسل منتقل شود تا همیشه یاد دلاوری امام (علیه‌السلام) در بین همگان زنده بماند. اگر خاطرتان باشد سال‌ها مسیر کربلا بسته بود و همه مردم در آرزوی کربلا حسرت به دل زندگی می‌کردند و حالا با خواست خدا، وقتی زمینه این سفر فراهم شده است پس باید این آیین همیشه زنده بماند و هر سال پررنگ و پررنگ‌تر شود. هدف ما تعیین شخصیتی برای مراسم راهپیمایی اربعین است، بر اساس کهن‌الگوهای یونگ و با الگوگیری از شخصیت افراد سازنده این مراسم که همان امام حسین (علیه‌السلام) و یارانش می‌باشد.

۵. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع روش، تحقیقی کیفی و کاربردی به صورت اکتشافی و پدیدارشناسانه است و با استفاده از روش مصاحبه عمیق و مطالعه اسنادی انجام شده و به کشف، توصیف و تفسیر کهن‌الگوهای مؤثر در اشاعه آیین پیاده‌روی اربعین می‌پردازد.

به‌کارگیری مصاحبه به‌عنوان ابزاری متداول برای جمع‌آوری اطلاعات از طریق تعامل مستقیم کلامی میان مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده است. مصاحبه یکی از اساسی‌ترین فنون ابزار جمع‌آوری داده‌هاست که در آن مصاحبه‌گر با بررسی ادراک‌ها، نگرش‌ها، علایق و آرزوهای مصاحبه‌شوندگان، داده‌های متناسب با هدف‌های پژوهش را جمع‌آوری می‌کند، آنها را توصیف کرده، سپس تبیین می‌کند یا توضیح می‌دهد (کریمی و نصر، ۱۳۹۲). بدین‌منظور در ابتدا بعد از توضیحی مختصر از روند پژوهش برای هر یک از مصاحبه‌شوندگان که همگی تجربه زیسته مشترک شرکت در راهپیمایی اربعین را دارند، تمامی تداعیات و ادراکات زائران منتخب پیاده اربعین با مصاحبه عمیق استخراج می‌شود و نتایج حاصل از مصاحبه‌ها با روش تحلیل محتوای قیاسی مورد بررسی قرار گرفته و سپس با توجه به صحبت‌هایشان از افراد خواسته می‌شود که کهن‌الگویی را که به نظرشان مناسب این آیین بین‌المللی است، با بیان دلیل انتخاب کنند.

۶. تجزیه و تحلیل داده‌ها

جامعه آماری پژوهش حاضر افرادی هستند که در یک دهه گذشته در پیاده‌روی اربعین حسینی حداقل یک مرتبه شرکت کرده‌اند و با توجه به کیفی بودن روش جمع‌آوری داده‌ها، نمونه‌گیری بر اساس سطح اشباع انجام می‌پذیرد. پس از انجام مصاحبه با ۲۲ نفر از زائران اربعین، اطلاعات به‌دست‌آمده به اشباع رسید و مصاحبه‌شوندگان بعدی، اطلاعات جدیدی بیان نمی‌کردند؛ بنابراین مصاحبه را تا ۲۵ نفر ادامه داده و سپس به بررسی مصاحبه‌ها پرداختیم. از این تعداد مصاحبه‌شونده، تعداد ۱۵ نفر مرد و تعداد ۱۰ نفر زن بوده‌اند. تعداد ۱۸ نفر فقط یک‌بار در پیاده‌روی اربعین شرکت کرده‌اند و تعداد ۷ نفر چندین مرتبه در این پیاده‌روی عظیم شرکت کرده‌اند. طی مصاحبه‌های عمیق که با این افراد انجام شد، فرایند ادراکی افراد درباره شخصیت پیاده‌روی اربعین مورد سنجش قرار گرفته و نتایج حاصل از مصاحبه‌ها با روش تحلیل محتوای قیاسی مورد بررسی قرار گرفت و کهن‌الگوهای مؤثر بر اشاعه فرهنگ پیاده‌روی اربعین استخراج و بررسی شدند. با توجه به مصاحبه‌های انجام‌شده، تعدادی از کهن‌الگوها مورد اشاره و تأکید بودند و برخی کهن‌الگوها را یا افراد اصلاً اشاره‌ای نکردند و یا آنها را دوست نداشتند و برخی بیان کردند این کهن‌الگوها اصلاً بار معنایی مثبت یا منفی برایشان ندارند. توصیف کهن‌الگوهای

بارز که در اشاعه پیاده‌روی اربعین مؤثر می‌باشند در جدول ۱ بیان شده است.

جدول (۱): توصیف کهن‌الگوهای مؤثر در پیاده‌روی اربعین

ردیف	تداعیات	کهن‌الگوهای مؤثر
۱	ایستادگی امام حسین (علیه‌السلام)، ایثار حضرت ابوالفضل (علیه‌السلام)، وفاداری، از خودگذشتگی، نجابت حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)، اقتدار، شجاعت، مردانگی، شهادت، رشادت، ریاضت، نمایش قدرت، مقاومت، دلیر، عزت، تواضع، خارق‌العاده، مصمم، جسور و بی‌پروا.	کهن‌الگوی قهرمان
۲	مظلومیت خاندان پیامبر، بخشودگی گناهان با زیارت، سفری ساده، درد کشیدن، رنج و سختی راه، تنها بودن، یار کم امام، خلوص نیت همگان، تخلیه روان، آرامش روح، نشان صلح مسلمانان، آمرزش، سوگواری، فارغ از دنیا، یک سفر معنوی، مخلصانه، تعلق خاطر به ائمه، خلوت‌گزینی، قداست، از خودگذشته، مهربان، پاک، خوش‌اخلاق.	کهن‌الگوی معصوم
۳	عشق بین‌الحرمین، تقرب به خدا، عشق ابوالفضل (علیه‌السلام)، عشق امام حسین (علیه‌السلام)، لذت‌بخش بودن سفر، جذابیت سفر، تعلق خاطر، نیاز روحی، عشق میزبان و میهمان، داوطلبانه بودن سفر، جمع دوستانه، محبت، شعله عشقی که هرگز خاموش نمی‌شود، انتظار، دیدار یار، عشق به ظهور.	کهن‌الگوی عاشق
۴	امیر بودن امام، مرد بودن، قهرمان، یکپارچگی، هماهنگی، ایجاد امنیت، تجدید میثاق با امام، جهاد، طلب حق، قدرتمند، معرفت، پرشور، نماد وحدت، تعاون، همایشی جهانی، پرشکوه، ولایت، آزادگی، نجیب، غیرت، مسئولیت‌پذیر، هدایت‌گر، قدرت‌طلبی، جدی.	کهن‌الگوی فرمانروا

اشاعه آیین
پیاده‌روی اربعین

کهن‌الگوی نگهدارنده	حامی همگان، شفای مریض‌ها، برطرف‌کننده حاجات، محافظ، ثواب، اجر اخروی، سلامت جسم، به خاطر دین و مذهب، امنیت، همدلی، آرامش، خلوص نیت، سفری سالم، حس اطمینان، بذل و بخشش، ظلم‌ستیزی، جدایی از تعلقات دنیوی، نشان صلح، احیای هویت، صیقل جان، سبکی روح، تعامل، روابط انسانی.	۵
کهن‌الگوی دانا	قدمت حادثه کربلا، منحصر به فرد بودن، مدرسه انسانیت، تاریخی زنده و تکرار نشدنی، عمومی، خاص، باشکوه، کلاس اخلاق، تبادل اطلاعات مسلمانان، حس برادری، درس مقاومت، متین، پخته، مصلحت‌اندیش، مدیر، بزرگ‌منشی، فرزانه و حکیم، راهنما، عاقل، متفکر.	۶

منبع: (یافته‌های پژوهش)

فراوانی هر کهن‌الگوی مؤثر در اشاعه آیین پیاده‌روی اربعین در جدول دو طبق داده‌های به‌دست آمده بیان شده است.

جدول (۲): فراوانی هر کهن‌الگوی مؤثر

رتبه‌بندی	فراوانی	کهن‌الگوی بارز	ردیف
یکم	۲۱	کهن‌الگوی قهرمان	۱
سوم	۱۸	کهن‌الگوی معصوم	۲
دوم	۱۹	کهن‌الگوی عاشق	۳
چهارم	۱۷	کهن‌الگوی فرمانروا	۴
ششم	۱۳	کهن‌الگوی نگهدارنده	۵
پنجم	۱۵	کهن‌الگوی دانا	۶

منبع: (یافته‌های پژوهش)

۷. بحث

بر اساس مصاحبه‌های انجام‌شده و پس از کدگذاری و دسته‌بندی روایت‌های مصاحبه‌شوندگان، مقوله‌های زیر که پیش از این در کهن‌الگوهای یونگ نیز صورت‌بندی شده‌اند با قرائتی اربعینی به‌صورت زیر تدوین و تکمیل شدند.

۷-۱. اربعین به‌مثابه سلوک

اربعین سلوک زائر است. در این پیاده‌روی حقیقت بیرون از ذهن ما نشسته است تا ذهن ما به‌دنبال آشکار شدن آن برود. بر اساس تحلیل و تفسیر مصاحبه‌ها و دسته‌بندی صفات بیان‌شده توسط مصاحبه‌شوندگان، بیشترین همگرایی در خصوص ویژگی‌های بارز کهن‌الگوها، مربوط به کهن‌الگوی قهرمان، معصوم، عاشق، فرمانروا، نگهدارنده و دانا است و فقط کهن‌الگوهایی بررسی شدند که حداقل نیمی از مصاحبه‌شوندگان به آنها اشاره کرده بودند.

۷-۲. کهن‌الگوی عاشقی

عاشقان با لذت بسیاری روابط برقرار می‌کنند و از بی‌مهری و دوستی بسیار ترس دارند. عاشقان در بهترین حالت متعهد و پرشور می‌باشند، اما در بدترین حالت کم‌عمق و وسواس محسوب می‌شوند. این نوع کهن‌الگو بیشتر روی احساس تمرکز دارد (Mark & Pearson, 2012, p. 178). نتایج مصاحبه‌ها حاکی از این است که پیاده‌روی اربعین دارای شخصیتی شبیه به کهن‌الگوی عاشق است. از نظر مصاحبه‌شوندگان واقعه پیاده‌روی اربعین به عشق بین‌الحریمین و عشق جاودان بین دو برادر صورت می‌پذیرد. عشق باعث شده است یک عده مهمان باشند و یک عده میزبان؛ اما هر دو باصفا. از هر دیاری آمده باشی و با هر رنگ و لباسی که باشی اینجا همه یکدست به عشق کربلا خدمت می‌کنند. اربعین زائر را تهی می‌کند و به‌وادی فنا می‌کشاند، اما عشق او را به سمت معشوقش می‌برد و هر جا که سخن از عشق است سختی و ناراحتی بی‌معنا می‌شود. معشوق بعد از سالیان دراز آمده است تا به عشق خود ثابت کند که راهش را ادامه خواهد داد و هر قدمش به سمت یار به عشق او و به یاد اوست. توصیف چند نفر از مصاحبه‌شوندگان از کهن‌الگوی عاشقی به شرح زیر است: آقای جوانی ۳۵ ساله بیان

می‌کند همه‌کس ما امام حسین (علیه‌السلام) است، من دیوانه‌وار امام حسین (علیه‌السلام) را دوست دارم. آقای ۲۵ ساله بیان می‌کند که امام حسین (علیه‌السلام) امام مهربانی‌هاست من همیشه زیر سایه عشق به امام حسین (علیه‌السلام) زندگی کرده‌ام و همین باعث شده است که من عاشق پیاده‌روی اربعین شوم.

۳-۷. کهن‌الگوی قهرمان

این کهن‌الگو برای رسیدن به مقصد و شکست نیروهای اهریمنی مبارزه می‌کند و سختی‌های این مسیر را تحمل می‌کند و از موانع فراوانی عبور می‌کند. او نیروهای خیر را از شر به‌خوبی تشخیص می‌دهد، از نیروهای خیر حمایت می‌کند و با نیروهای شر می‌جنگد (Mark & Pearson, 2012, p. 105). کهن‌الگوی قهرمان در پیاده‌روی اربعین نشان از رشادت‌های خاندان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است، نشان از شیرزنی همچون زینب (سلام‌الله‌علیها) در حادثه کربلا است، نشان از دلیری ابوالفضل (علیه‌السلام) است، نشانی از همیشه قهرمان بودن امام حسین (علیه‌السلام) در قلب و روح مردم است. این پیاده‌روی عظیم که با عشق انجام می‌پذیرد، نماد یک مرد همیشه قهرمان در تمام عالم است و مردم در زمان حال برای نشان دادن قهرمان بودن همیشه مسلمانان در جهان به این حرکت عظیم دست می‌زنند تا اثبات کنند مسلمانان همیشه قهرمان بوده و هستند. سختی‌هایی که امام حسین (علیه‌السلام) در مسیر کربلا برای زنده کردن و استحکام پایه‌های دین کشیدند در هر قدم زائران دوباره احیاء می‌شود و زائر خود را در کاروان حسین می‌بیند و به یاد قهرمانان کربلا با شوق بیشتری به مسیرش ادامه می‌دهد. امام حسین (علیه‌السلام) قهرمان زندگی همه زائران اربعین است که با پای پیاده و تاول‌زده به سوی دیار عشق می‌روند تا بگویند حسین (علیه‌السلام) ما آمده‌ایم تا دنیا بداند حسین (علیه‌السلام) قهرمان هیچگاه تنها نماند و راهش تا ابد زنده است. توصیف چند نفر از مصاحبه‌شوندگان از کهن‌الگوی قهرمان به شرح زیر است: آقای جوانی ۲۸ ساله بیان می‌کند این مراسم نشان‌دهنده قهرمان بودن ابوالفضل (علیه‌السلام) و امام حسین (علیه‌السلام) است. وقتی امام و اهل بیتش این مسیر سخت و طاقت‌فرسا را پیاده آمدند و با جان و دل و با لب تشنه جنگیدند، برای همیشه قهرمان تاریخ شدند و این مراسم به یاد قهرمانی آنها تا ابد پابرجا خواهد ماند. جوان ۳۴ ساله دیگری بیان می‌کند حضرت عباس (علیه‌السلام) قهرمان زندگی همه مسلمانان است.

۴-۷. کهن‌الگوی معصومیت

این کهن‌الگو، بر مبنای عدالت و فضیلت است، این کهن‌الگو از گناه و فساد عاری است و همواره وعده بهشت را می‌دهد (Mark & Pearson, 2012, p. 53). به‌نظر عده‌ای از مصاحبه‌شوندگان، کهن‌الگوی معصوم در این پیاده‌روی بیشتر نمایان است. معصومیت و مظلومیت همان‌گونه که در حادثه اربعین رقم خورده است در این پیاده‌روی هم آشکار است. زائران؛ پیر، جوان، مرد، زن، بچه، کوچک و بزرگ همه یک‌رنگ و بی‌ریا دل به جاده سپرده‌اند و این نشان از معصومیت این پیاده‌روی است. زائر در این راه پیاده می‌رود، خسته می‌شود، زخم برمی‌دارد، اما از عشق به کربلا و مسیر دست نمی‌کشد، این نشان از معصومیت و پاکی اربعین دارد. در طول مسیر زائر تجربه پیدا می‌کند، ساخته می‌شود و درکش از واقعه کربلا و هویت مذهب بالا می‌رود. حس همدردی با خاندان امام، معصومیت و مظلومیت، تعداد کم یاران باوفای امام و تنها ماندن امام در کربلا باعث می‌شود، زائران دل به یک سفر ساده با پای پیاده، بدون آب و آذوقه می‌سپارند و به یاد سختی‌های امام و یارانش، با خود خلوت می‌کنند، سوگواری می‌کنند، تا روحشان آرام شود و سبک‌بال از سفر به دیار خود برگردند. توصیف چند نفر از مصاحبه‌شوندگان از کهن‌الگوی معصومیت به شرح زیر است: خانمی ۳۸ساله بیان می‌کند این مسیر نشان‌دهنده مظلومیت امام است، همه به عشق امام پا به این مسیر می‌گذارند. خانمی ۳۱ساله می‌گوید: من به عشق معصومیت فرزندان امام حسین (علیه‌السلام) سال‌هاست اربعین به خودم واجب می‌دانم که باید این مسیر رو پیاده بیایم.

۵-۷. کهن‌الگوی فرمانروا

فرمانروا تمایل فراوانی به قدرت داشته و از هرج و مرج و سرنگونی ترس فراوان دارد. یک فرمانروا در بهترین حالت مسئول موفق، عادل و با اعتمادبه‌نفس بالاست، اما در بدترین حالت سخت‌گیر، بداخلاق و ناعادل است (Mark & Pearson, 2012, p. 244). اقتدار، مردانگی، جهاد، حق‌طلبی، آزادگی، غیرت و مسئولیت‌پذیر بودن و... کهن‌الگوی فرمانروا را در شخصیت اربعین بیشتر نمایان می‌کند. عشق به ابرقدرتی همچون حسین (علیه‌السلام) باعث شده حس همدلی، تعاون، همکاری، یکرنگی، دوستی و محبت در میان چشمان همگان برق بزند. مردانگی و ویژگی بارز در شخصیت امام حسین

(علیه‌السلام) بوده و همین باعث امیر بودن ایشان در اذهان همگان شده است. فرمانروایی که تنها ماند تا دین اسلام را احیا کند. با اقتدار بی‌نظیرش درس آزادمردی و آزادگی را به همگان آموخت. امام در راه حق جهاد و ایستادگی کرد، به شهادت رسید، تا به همگان درس مرادنگی دهد. امام حسین (علیه‌السلام) یک اسطوره است که بعد از ایشان دنیا چنین مردی به خود ندیده است. حسین (علیه‌السلام) یگانه‌ای است که از ابتدا تا انتهای عالم تکرارنشده و تکرار نخواهد شد. سرداری که سرش را از بدن جدا کردن اما ظلم را نپذیرفت، تن به ذلت نداد و مصیبت او اعظم همه مصایب جهان شد، و این‌ها همه نشان از شخصیت فرمانروایی اربعین حسین (علیه‌السلام) است. توصیف چند نفر از مصاحبه‌شوندگان از کهن‌الگوی فرمانروا به شرح زیر است: آقای ۲۹ ساله بیان می‌کند حادثه کربلا با یک رهبری آگاهانه پیش رفت، اقتدار و انسجام موجود در شخصیت امام، سپاهش را یک‌دل و یک‌رنگ پیش برد، هدف مشخص و والا بود و در انتها در مسیر عاشقی دل دادند. خانمی ۲۳ ساله بیان می‌کند پیاده‌روی اربعین هنوز هم با وجود گذر قرن‌ها از این حادثه با همان استحکام و روحیه آزادگی که در سپاه امام حسین (علیه‌السلام) بود در حال انجام است، امام حسین (علیه‌السلام) یک فرمانده غیور و آزاده بود و از همه چیزش برای هدفش در راه خدا استفاده کرد.

۷-۶. کهن‌الگوی حامی (نگهدارنده)

کهن‌الگوی نگهدارنده تمایل بسیاری به مراقبت و محافظت از دیگران از جمله طبیعت دارند. این‌ها در بدترین حالت خودخواه و در بهترین حالت دلسوز، بخشنده و قوی هستند (Mark & Pearson, 2012, p. 209). کهن‌الگوی حامی یا نگهدارنده با ویژگی‌های برطرف‌کننده حاجت‌ها، آرامش، خلوص نیت، سفری سالم، حس اطمینان، بذل و بخشش، ظلم‌ستیزی، جدایی از تعلقات دنیوی و... نمایان می‌شود. عده زیادی از مردم اعتقاد به گرفتن شفاعت در مراسم‌های مذهبی و یا گرفتن حاجت از ائمه دارند و با همین نیت‌دل به دلداری همچون حسین می‌سپارند و عازم سفر می‌شوند تا حاجت‌روا شوند. بیشترین امید گنهکاران به امام حسین (علیه‌السلام) است و عده‌ای از زائران برای آمرزش گناهان پیاده به اربعین می‌روند. زائران بیان می‌کنند که یک سال زندگی ما با زیارت امام حسین (علیه‌السلام) تضمین می‌شود. با وجود سختی راه و

نامنی‌هایی که دشمنان در مسیر زائران قرار می‌دهند سیل جمعیت در حصارى از امنیت، بی‌دغدغه هر سال بیشتر از سال قبل به سمت کربلا می‌روند. عشق به امام حسین (علیه‌السلام) امنیت قلبی برای زائر را فراهم می‌کند، گویی میزبان خود از قبل مراقب میهمانانش است و کشتی در میزبان وجود دارد که میهمانان را سرآسیمه به سوی خود می‌کشد. توصیف چند نفر از مصاحبه‌شوندگان از کهن‌الگوی حامی به شرح زیر است: خانمی ۳۰ساله بیان می‌کند این سفر، سفری است که با هر قدمی که انسان برمی‌دارد بیشتر از دنیا و مادیات جدا می‌شود، همه هدفش رسیدن به حرم است، سفر مظلومی است و دل آرام می‌شود با هر قدمی که به سمت جلو برمی‌دارد. خانمی ۳۲ساله می‌گوید به عشق مظلومیت و معصومیت فرزندان امام و حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) به این سفر آمده‌ام تا کمی احساس آنها در این سفر را حس کنم، سفر آرامی است، اما قلبم بی‌تاب است، دلم از همه چیز جداشده و به سوی یار پرمی‌کشد.

۷-۷. کهن‌الگوی دانایی

مردم در طول عمرشان برای فرا رفتن از چالش‌های زندگی همواره دنباله‌رو مردی فرزانه هستند که به آنها در تشخیص نمادها و علائم کمک کند (Mark & Pearson, 2012, p. 88). کهن‌الگوی دانا نشانی از قدمت حادثه کربلا، منحصر به فرد بودن، تاریخی زنده و تکرارشدنی، مصلحت‌اندیشی، بزرگ‌منشی، فرزانه و حکیم بودن، شخصیت پیاده‌روی اربعین است. با وجود گذشت ده‌ها قرن از حادثه کربلا، هر ساله زائران زیادی از اقصی نقاط جهان خود را به این پیاده‌روی عاشقانه نجف تا کربلا می‌رسانند. بدون شک قدرت و حکمت عظیمی در ماورای این سفر نهفته است که عاشق را به طی کردن مسیر وامی‌دارد، زائران معتقدند خود امام حسین (علیه‌السلام) قدرتی است که آنان را به این مسیر می‌کشاند. نیرویی آنان را به این مسیر می‌برد که غیرقابل وصف است. در این حادثه بی‌ظنیر و تکرارشدنی، درس‌هایی نهفته است که عقل بشر قادر به توصیف و تحلیل آن نمی‌باشد و این نشان از حکیم و فرزانه بودن امام است. این سفر معنوی حال‌وهوایی دارد که در هیچ سفری زائران آن را حس نکرده‌اند و تجربه‌ای از آن ندارند و همین عامل، منحصر به فرد بودن سفر شده است. کربلا گویی مدرسه انسانیت است با کلاس‌های بسیار که کسی از تحصیل در آن سیر نمی‌شود. توصیف

چند نفر از مصاحبه‌شوندگان از کهن‌الگوی دانایی به شرح زیر است: آقای ۳۲ ساله بیان می‌کند مصلحتی در این پیاده‌روی نهفته است که بدون شک از فهم بشر خارج است، حکمتی دارد این همه عشق مردم به این مراسم، برای خود من خیلی عجیبه چرا مردم به این مسیر سخت قدم می‌گذارند. آقای ۳۶ ساله می‌گوید این سفر حکمتی دارد و انگار با یک نیروی خارج از توان بشر داره هدایت میشه و ما نمی‌توانیم به این حکمت پی ببریم، شخصیت امام شخصیتی فرزانه و داناست و این مراسم هم که به عشق امام برپا می‌شود، به نظر من نشان از شخصیت حکیم و فرزانه ایشان دارد.

نتیجه‌گیری

نفس واقعه‌های رخ داده در تاریخ اگرچه دارای اهمیت‌اند، اما وجه نمادین و ساختار کهن‌الگوی آنهاست که باعث می‌شود بزرگ‌تر و با عظمت‌تر دیده شوند و اثرگذار باشند. واقعه عاشورا و آیین عزاداری امام حسین (علیه‌السلام) کلیدی‌ترین آیین در مذهب شیعه است. شهادت امام حسین (علیه‌السلام) نقطه عطفی در حیات تاریخی شیعیان است. شیعه به واسطه تمرکز نمادین پیرامون واقعه کربلا، نقطه کانونی عاطفی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی خود را پیدا کرد. در هر مذهبی بعد از تشکیل نقطه نمادین در مرکز، مجموعه‌ای از آیین‌ها و مناسک حول آن ایجاد می‌شود که زمینه‌ساز تقدس آن نقطه در دین می‌شود و در مذهب شیعه، واقعه عاشورا این مرکز ثقل شده است. ریتم زندگی مذهبی و فرهنگی شیعیان وابسته و پیوسته به رخداد عاشورا تعریف و تعیین می‌شود. آیین مراسم اربعین از طریق فرم‌های نمادین و ساختارهای بنیادین که ریشه در کهن‌الگوها دارد، تجلی عقاید و هستی مذهبی جامعه شیعیان است. نتیجه مهمی که از این پژوهش به دست آمد این است که افراد شخصیت پیاده‌روی اربعین را چگونه ادراک می‌کنند و اگر این شخصیت یک هویت مطلوب دارد باید در تقویت و پیشرفت این شخصیت کوشش کرد و اگر هویتی نامطلوب دارد تأثیر این شخصیت را باید کم‌رنگ کرد. پُر واضح است آیین مراسم پیاده‌روی اربعین که یک الگوی تقدیس و تکریم برای وقایع مقدس است، نشان از شخصیت کهن‌الگوهای قهرمان، عاشق، معصوم، فرمانروا، نگهدارنده و دانا هست و باید دانشگاه‌ها، مراکز عقیدتی و سیاسی، رسانه‌های جمعی و از جمله صداوسیما با تبلیغات گسترده در ترویج و تقویت این آیین

به‌عنوان امری مقدس و جدی تلاش کرده تا بتوانند آن را به‌عنوان یک نماد و سمبل از وقایع کربلا و رشادت‌های امام و یارانش وارد زندگی همه مردم جهان کنند.

بدون شک تبیین کهن‌الگوهای یونگ به مراسم اربعین نمی‌تواند نشان‌دهنده عظمت و بزرگی آیین راهپیمایی اربعین باشد، این تبیین الهام‌گرفته از شخصیت عناصر سازنده اربعین که همان امام حسین (علیه‌السلام) و یارانش می‌باشد، است. به‌طورکلی ما از لحاظ روانی به بررسی آیین راهپیمایی اربعین پرداخته‌ایم و از آرایه‌ای شبیه جان‌بخشی به اشیاء برای ایجاد یک شخصیت برای این آیین استفاده کرده‌ایم و با ایجاد یک تصویر جدید در ذهن مخاطب برای یک پدیده بی‌جان، یک شخصیت ایجاد کرده‌ایم، که این شخصیت الهام‌گرفته از عناصر سازنده اربعین حسینی می‌باشد. عنصر سازنده و اصلی اربعین امام حسین (علیه‌السلام) است که خود مظهر استقامت، ایثار، بزرگواری، بزرگ‌منشی، شجاعت و... می‌باشد. عنصر بعدی حضرت ابوالفضل (علیه‌السلام) است که ایشان هم نمادی از گذشت، شجاعت، دلاوری، شهامت و... است. یک عنصر سازنده دیگر حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) است که ایشان استواره صبر و تحمل است؛ بنابراین شخصیت‌های تعیین‌شده براساس یافته‌های پژوهش برای این آیین از این شخصیت‌های بزرگوار الهام گرفته شده‌اند. در این آیین حکمتی وجود دارد که دل هر فردی را به‌سوی خود جذب می‌کند، قطعاً نظریه یونگ نمی‌تواند ابعاد قدسی این پدیده را تبیین کند، این آیین از چنان عظمتی در جهان برخوردار است که از قدرت بیان بشر خارج می‌باشد و در وصف نمی‌گنجد. نظریه یونگ تنها می‌تواند بعد کوچکی از این آیین بزرگ را وصف کند که آن هم تعیین شخصیت بر اساس یک بُعد روان‌شناسی است، درحالی‌که راهپیمایی اربعین دارای شخصیت بین‌المللی است و در سطح جهان مطرح می‌باشد و از همه ادیان و ملل در این مراسم شرکت می‌کنند و نشان‌دهنده یک تحول عظیم در جهان است، نشان‌دهنده یک اتحاد جهانی است، فاصله بین همه کشورها را از بین می‌برد و در جست‌وجوی عدالت جهانی می‌باشد که همه این اتفاق‌ها از قدرت بیان نظریه یونگ خارج است و در این پژوهش اشاره‌ای به آنها نشده است و فقط با کنکاش در ضمیر ناخودآگاه مسافران اربعین به تعیین شخصیت برای این آیین پرداخته‌ایم. با توجه به کمبودها و کاستی‌های پژوهش حاضر به دیگر پژوهشگران پیشنهاد می‌کنیم شخصیت این آیین را از ابعاد دیگر بررسی کنند و روشنگر راه برای دیگر محققان باشند.

کتابنامه

- ابن جوزی، سبط (۱۳۷۹). *تذکرَةُ الْخَوَاصِّ مِنَ الْأُمَّةِ فِي ذِكْرِ خِصَائِصِ الْأُمَّةِ*. ترجمه محمدرضا عطائی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- باقری پور، اشرف (۱۳۸۹). یونگ و روان‌شناسی دین. *پژوهش فلسفی*، (۱۸)، پاییز و زمستان، ۱۵۵-۱۷۹.
- بد، مهدیه (۱۳۹۷). فهم تجربه زیسته زائران در پیاده‌روی اربعین سال ۱۳۹۵ (بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری ابر رویداد اربعین). *مجله باغ نظر*، ۱۵(۶۸)، ۳۹-۴۸.
- پورمند، حسن‌علی و روزبهانی، رؤیا (۱۳۹۷). تحلیل کهن‌الگویی الهی‌نامه عطار (داستان زن صالحه) بر اساس نظرات یونگ. *مجله شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز*، سال دهم، شماره اول، بهار.
- تبریزی، منصوره (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی. *فصلنامه علوم اجتماعی*، (۶۴)، بهار.
- ترابی، زهره؛ اسدی، شهام و جزیری، علیرضا (۱۳۹۴). *انطباق نظریات کریستوفر الکساندر با کهن‌الگوهای ایرانی*. دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی، اسفند ۹۴، دبی.
- توانا، محمدعلی و آذرکمند، فرزاد (۱۳۹۵). کهن‌الگوها و اسطوره‌های سیاسی عصر مدرن، بر اساس چهارچوب نظری کارل گوستاو یونگ. *دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهش سیاست‌نظری*، (۱۹)، بهار و تابستان، ۱-۳۷.
- حسینی، مریم (۱۳۹۰). نقد کهن‌الگویی الهی‌نامه عطار. *کاوش‌نامه*، سال دوازدهم، (۲۳)، ۹-۳۴.
- درودیان، محمدجواد (۱۳۹۷). *منظر معنوی رویداد پیاده‌روی اربعین حسینی*. *مجله منظر*، ۱۰(۴۵)، ۵۶-۶۵.
- رایف، دانیل؛ استفن، لیزی و فریدریک جی، فیکو (۱۳۸۵). *تحلیل پیام‌های رسانه‌ای (کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق)*. ترجمه مهدخت بروجردی علوی، تهران: سروش.
- رضوانی، روح‌الله (۱۳۸۹). تحلیل محتوا. *پژوهش*، (۳)، صص. ۱۴۴-۱۴۶.

رضوی‌زاده، ندا (۱۳۹۶). ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده ایرانی و عراقی (مورد مطالعه: پیاده‌روی اربعین آذر ۱۳۹۳ عراق). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۶(۴)، زمستان، ۵۹۵-۶۳۱.

شراهی، اسماعیل و ذوالفقارزاده کرمانی، محمد مهدی (۱۳۹۸). واکاوی ادراک زائران از رفتار خادمان در اربعین: روایتی مردم‌شناختی از پدیده عظیم پیادروی اربعین. *دوفصلنامه علمی - پژوهشی دین و ارتباطات*، سال بیست و ششم، (۱)، بهار و تابستان، ۱۱۵-۱۴۸.

صراف‌زاده، رامینه و زند، مازیار (۱۳۹۶). خوانش نگاره‌های مانوی بر پایه نظریه کهن‌الگوی یونگ. *مجله ادبیات نمایشی و هنرهای تجسمی*، ۱(۴)، بهار، ۳۳-۴۴. صنعتی، سمیه (۱۳۹۰). *سوگواری از منظر مذاهب*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

فرضی، حمیدرضا و بهزادی، حاجیه (۱۳۹۶). تحلیل کهن‌الگویی داستان امیراسلان بر اساس نظریه تفرد یونگ. *ویژنه‌نامه قصه‌شناسی، فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه*، سال پنجم، (۱۲).

کریمی، صدیقه و نصر، احمدرضا (۱۳۹۲). روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه. *سال چهارم*، (۷)، بهار و تابستان، ۷۱-۹۴.

کلبر، لوتزر (۱۳۹۲). *الگوهای سفر از سفرهای زیارتی قرون وسطی تا سفرهای مجازی دوران پست‌مدرن*. در تیموتی، دالن جی و السن، دانیل اچ (ویراستار). *گردشگری، دین و سفرهای معنوی*. ترجمه محمد قلی‌پور و احسان مجیدی‌فرد، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

گلابچی، محمود و زینالی فرید، آیدا (۱۳۹۳). *معماری آرکی‌تایی*، (کهن‌الگویی) *الگوهای پایدار بنیادین*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

گیویان، عبدالله و امین، محسن (۱۳۹۶). محبت و هویت در آیینه نمایش جهانی اربعین (مطالعه ماهیت، کارکردها و ساختار پیاده‌روی اربعین از منظر ارتباطات آیینی). *دوفصلنامه علمی - پژوهشی دین و ارتباطات*، سال بیست و چهارم، (۲)، پاییز و زمستان، ۱۶۷-۱۹۴.

محسنی تبریزی، علیرضا و سلیمی، علی (۱۳۹۱). تحلیل محتوای کیفی قیاسی و بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی در علوم اجتماعی. فصلنامه علمی پژوهشی *روش‌شناسی علوم انسانی*، سال هجدهم، (۷۲)، پاییز، ۱۳۵-۱۵۹.

نصیری، روح‌الله و مصطفوی روضاتی، سیدمحمدجلیل (۱۳۹۵). تحلیل رمان الشحاد (گدا) بر مبنای کهن‌الگوی یونگ. *مجله زبان و ادبیات عربی*، (۱۵)، پاییز و زمستان. هاشمی، مهران (۱۳۹۳). معنای فرم. مشهد: انتشارات فرهنگسرای میردشتی.

همایون، محمدهادی و بد، مهدیه (۱۳۹۴). *تعیین انگیزه‌های معنوی گردشگران در سفرهای معنوی: مطالعه موردی رویداد پیاده‌روی اربعین*. اولین کنفرانس گردشگری و معنویت، تهران: دانشگاه علم و فرهنگ.

یاوری، حورا (۱۳۸۷). *روان‌کاوی و ادبیات*. تهران: انتشارات سخن.

یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۰). *روان‌شناسی و دین*. ترجمه فواد روحانی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۱). *خاطرات، رویاها و اندیشه‌ها*. ترجمه پروین فرامرزی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۲). *جهان‌نگری*. ترجمه جلال ستاری، تهران: توس.

یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۳). *انسان و سمبول‌هایش*. ترجمه محمود سلطانی، تهران: جامی.

یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۹). *مشکلات روانی انسان مدرن*. ترجمه محمود بهفروزی، تهران: انتشارات دیبا.

- MacIntyre, A. (1998). *Whose Justice? Which Rationality*. Notre Dame, University of Notre Dame Press.
- Mark, M. & Pearson, C. S. (2001). *THE HERO and THE OUTLAW: Building Extraordinary Brands Through the Power of Archetypes*. United States of America: McGraw-Hill.
- Mark, M. & Pearson, C. (2012). *O Herói e o Fora da Lei: como construir marcas extraordinárias usando o poder dos arquétipos*. São Paulo: Editora Cultrix.
- Zhou, Y. J. (2007). *Government and residents perceptions towards the Impact of a mega event: the Beijing 2008 Olympic games*. Ph.D. Thesis. Hong Kong Polytechnic University, School of Hotel and Tourism Management.



پښتونستان د علوم او انسانیت د مطالعاتو فریښتی
پرتال جامع علوم انسانیت